

گیاهان و باغها در شعر ایران

نورا ام. تیتلی
ترجمه کلود کرباسی



۱ - تقدیم گلدان به فریدون، شاهنامه فردوسی، کار هند، دوره مغولی، اوایل سده ۱۱ ه. ش. ۱۱/۵۰ x ۱۴ سانتیمتر.

در ادبیات ایران، عشق به باغ و گل، هم در توصیفهای واقع‌گرایانه از جشنهایی که در باغها و دشت و دمن برپا می‌شوند، و هم در زبان سرشار از تشبیهات تصویرانگیز منعکس است. حافظ، در اشعار خود، شهر شیراز را با باغ و گل و بلبل مترادف می‌کند و نظامی، در خمسه خود، یعنی چه در داستانهای اخلاقی - مانند مخزن الاسرار - و چه در اشعار عاشقانه - نظیر خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، یا ماجرای بهرام گور و هفت شاهزاده خانمی که او را با داستانهای خود افسون می‌کنند - و چه در افسانه‌ها و روایات مربوط به اسکندر مقدونی، پیوسته از تصویرپردازی‌های گل و باغ مدد می‌جوید.

همچنین در کتب مصوری که در هند قرنهای نهم و دهم برای فرمانروایان سلطان‌نشین دهلی به زبان فارسی نگاشته می‌شوند، گرایش بسیاری به ترسیم گل و گیاه مشاهده می‌شود. واژه‌نامه‌ای مربوط به این سلطان‌نشین، که به حدود سال ۹۰۰ هجری (۱۴۹۴ میلادی) مربوط است و در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود، تصاویر کوچک و اسامی گیاهان مختلفی را شامل می‌شود که عبارتند از عناب، سرو، نیشکر، سنجد، یک گیاه تیغی به نام دوزه، و همچنین درخت افسانه‌ای واقواق، که از آن سرهای انسانی و حیوانی می‌روید.

شاهنامه فردوسی، علاوه بر داستانهایی مانند صحنه تقدیم گلدان به فریدون که در محیط باغ رخ می‌دهد یا دورنماهایی سرشار از درخت و آبشار و جویبارهای میان سبزه‌زارها را وصف

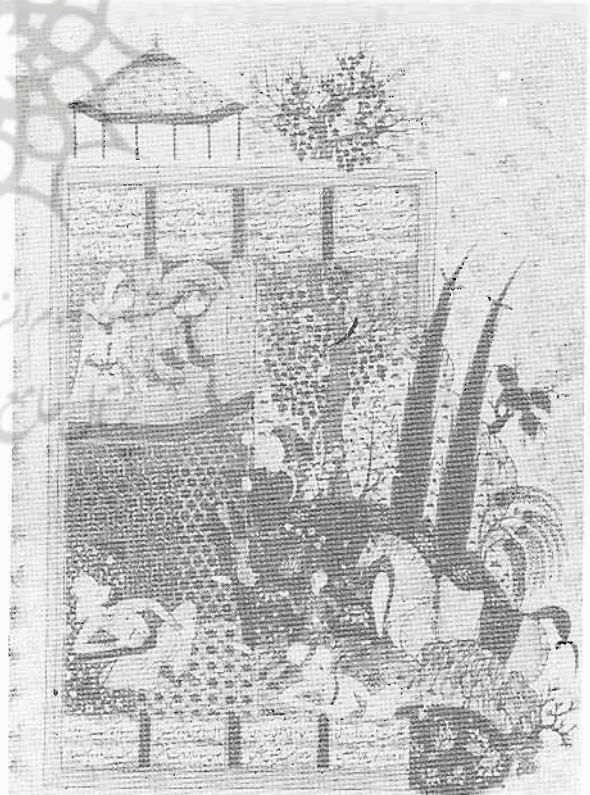
می‌کنند، افسانه‌هایی مرتبط با بعضی نباتات بخصوص را در بر می‌گیرد. یکی از این روایات به شاهزاده جوانی (سیاوش) مربوط

هنرمندان ایرانی، در طی قرون، از هر فرصتی استفاده کرده‌اند تا صحنه‌هایی از شاهنامه را که در محیط‌های سرشار از گل و گیاه رخ می‌دهد به تصویر درآورند: از این زمره است صحنه دیدار زال و رودابه. در مینیاتوری که در یک شاهنامه کار قزوین (مربوط به حدود سال ۹۷۰ هجری) از این صحنه تصویر شده، زال در حال بالا رفتن به سوی ایوانی که رودابه در آن جا دارد دیده می‌شود، و پشت او درخت چناری به چشم می‌خورد که تا کی به دور آن پیچیده و رأس آن از پیرامون حاشیه تصویر تجاوز کرده است. همچنین درختان بید و سرو تا حاشیه گسترش یافته‌اند، و انواع گل‌های زنبق و نرگس و یک درخت کاج ساده شده در باغ دیده می‌شوند. به علاوه، نقوش گوناگون گیاهان را می‌توان بر البسه زنان و بالش زیر سر نگهبان خفته مشاهده کرد، و البته حواشی صفحه نیز با نقوش زرین گل‌های درشت صد تومانی تزیین شده‌اند. در این گونه مینیاتورها، درخت سرو همواره به کنار می‌رود، که از نظر تشبیهی به قامت رعنای زنانه اشاره دارد.

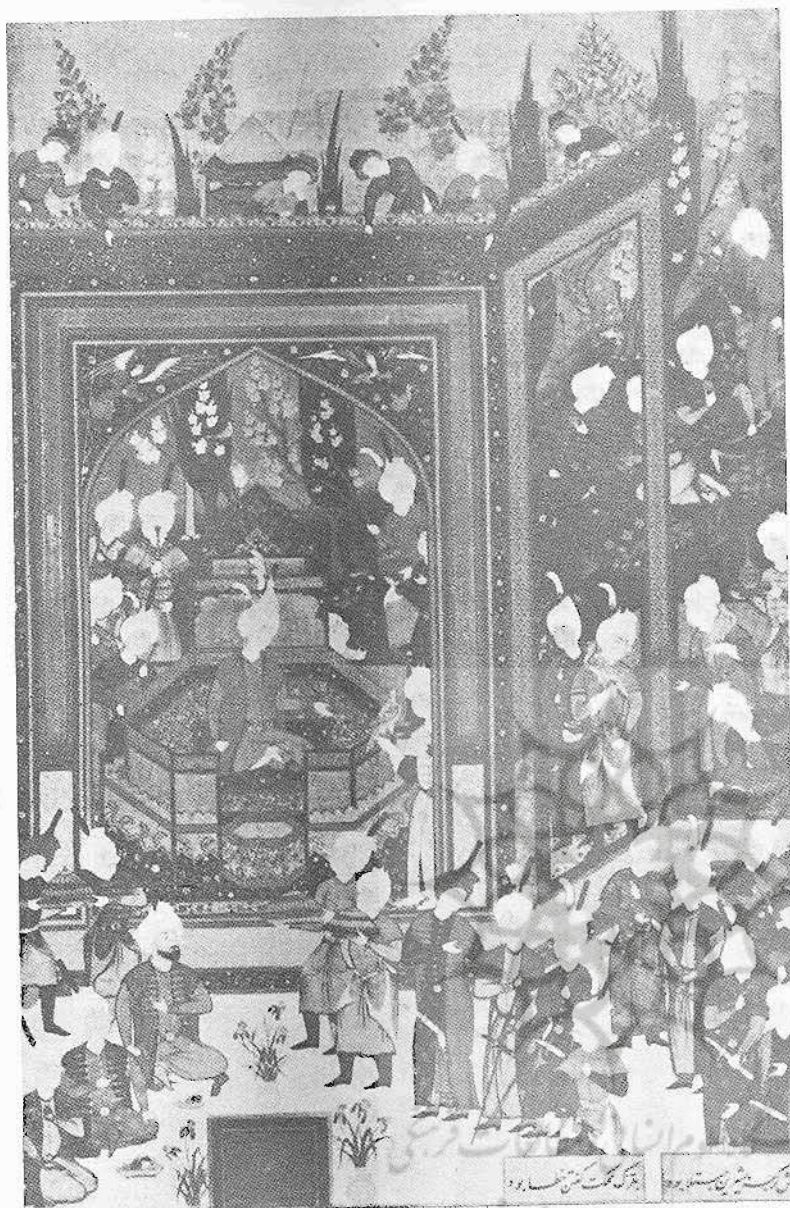
یکی از پنج مبحث خمسه نظامی، داستان عشق شاهزاده ایرانی، خسرو پرویز، و شاهزاده خانم ارمنی، شیرین، است که وقایع مغالزه و شکار آن بهترین جلوه‌گاه را برای هر مینیاتورپردازی فراهم می‌کند. یکی از صحنه‌های مشهور این داستان به استحمام شیرین در کوهستان و نظاره مخفیانه خسرو پرویز تعلق دارد. این صحنه به بهترین وجه در نسخه‌ای از خمسه نظامی که به امر شاه طهماسب صفوی تهیه شد و اکنون در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود به تصویر درآمده است و دورنمایی سرشار از گل‌های زنبق و دیگر نباتات، از جمله یک درخت زیبای چنار، را در بر می‌گیرد. در همین نسخه مینیاتوری هست که مجلس بزم خسرو پرویز را در کوشکی در یک باغ نشان می‌دهد. زنبق‌هایی که در این باغ رویده‌اند همچنین به عنوان عنصر تزیینی در سه گلدان نزدیک حوض دیده می‌شوند. نقوش روی فرش و تزیینات تختی که خسرو پرویز بر آن نشسته است نمونه مکتب تبریز در این دوران را مجسم می‌کند، که از نقوش گیاهی و اسلیمی سرشار است. باغها غالباً زمینه مینیاتورهای این داستان را تشکیل می‌دهند. این نکته را می‌توان در نسخه دیگری از همین اثر، که مورخ ۸۱۳ هجری (۱۱ - ۱۴۱۰ میلادی) است، مشاهده کرد.

است که ریاکارانه به قتل می‌رسد و قاتلانش مأموریت می‌یابند که او را به بیابانی که در آن «هرگز علف نمی‌روید» ببرند و خونس را در کاسه‌ای جمع کنند. آنها همین کار را می‌کنند، لیکن چند قطره خون سیاوش بر روی زمین می‌ریزد و گیاهی از آن می‌روید که امروزه در ایران به نام خون سیاوش یا سیاوشان معروف است. اکثر واژه‌نامه‌ها خون سیاوشان را درخت خون ازدها (دراسنا دراکو) از تیره سوسنیان ترجمه کرده‌اند اما از آنجا که به نظر می‌رسد این گیاه از نباتات بومی ایران باشد ممکن است این افسانه اصولاً به گیاه دیگری مربوط باشد که در زبان فارسی، پسر سیاوشان خوانده می‌شود.

در یکی دیگر از افسانه‌های شاهنامه به «گز» برمی‌خوریم. سمرغ، که زخم‌های بدن رستم را پس از نبردش با اسفندیار درمان می‌کند، به او آگاهی می‌دهد که چوب گز بر اسفندیار کارگر است. این پرندۀ افسانه‌ای رستم را به محلی می‌برد که در آن گز می‌روید، و به او می‌آموزد که پیکان دوسری از چوب آن بسازد و در نبرد بعدی، چشمان اسفندیار را هدف بگیرد. از پای در آمدن اسفند یار در اثر تیر گز رستم، غالباً از موضوع‌هایی است که در تصاویر شاهنامه منعکس می‌شود.



۲ - صعود زال به ایوان سرای رودابه، شاهنامه فردوسی، کار ایران (قزوین)، ۹۷۰ الی ۹۷۵ ه. ش. ۲۵۰ × ۳۵ سانتیمتر.



۳- خسرو بر اریکه (اثر آقا میرک)، خسته نظامی، کار ایران (تبریز)، ۹۱۸ الی ۹۲۲ ه. ش. ۱۸۰/۵ × ۲۸/۵ سانتیمتر.

کوهکنی است، می‌رساند و فرهاد، خود را از کوه به پایین می‌اندازد. در ادبیات ایران، لاله‌های سرخ و سفیدی که در مرز برفهای کوهستان می‌رویند، به خون فرهاد نسبت داده شده‌اند. آخرین مبحث خسته نظامی به شرح کردارهای اسکندر مقدونی مربوط است. این روایات، و همچنین روایاتی که فردوسی به نظم آورده است، افسانه و تاریخ را به هم می‌آمیزند و در آنها از درختی حکایت می‌رود که در انتهای جهان واقع شده و دو تنه دارد،

1 - Dracena Draco

نسخه مزبور، که اندازه آن (در مقایسه با اندازه ۲۲ × ۳۲ سانتیمتر نسخه شاه طهماسبی) فقط ۱۲ × ۱۸ سانتیمتر است، در شیراز، برای اسکندر سلطان تهیه شد و اثر جامعی است که یک قسمت آن خسته نظامی را شامل می‌شود. مینیاتوری که خسرو و شیرین را در باغ نشان می‌دهد، زیبایی و آرامش تام چنین محیطی را منعکس کرده است. در همین داستان از حسادت خسرو نسبت به فرهاد، که او هم دلدادۀ شیرین است، حکایت می‌شود.

خسرو خبر دروغین مرگ شیرین را به فرهاد، که سرگرم

نبرد با اسکندر بفرستند. اسکندر این هدایا را به نحو دیگری تعبیر می‌کند و آنها را نشانه پیروزی می‌شمرد. در نظر او گوی چوگان به منزله جهان (یعنی مایملک داریوش) است، که اسکندر به وسیله چوب چوگان (یعنی ارتش خود) به سوی خویش خواهد کشید. آنگاه دانه‌های کنجدر را به سوی پرنندگان می‌ریزد، که همه را می‌خورند و می‌گویند که سربازانش، سپاه داریوش را، به این منوال، از بین خواهند برد.

پیک را با یک کاسه دانه خردل، به منزله عده سربازان خود، به نزد داریوش باز می‌فرستد. در این مینیاتور، رویداد فوق مجسم شده است و در آن تعدادی هدهد و طوطی و کبوتر و سار و کلاغ به خوردن دانه‌ها مشغولند، در حالی که اسکندر و ملازمانش صحنه را نظاره می‌کنند و چوب و گوی چوگان و کاسه حاوی مابقی دانه‌ها، در فاصله‌ای دور از صحنه، دیده می‌شوند.

تصویر جالبی که در برگیرنده درختان در یک منظره است به نسخه‌ای از داستان عاشقانه‌های و همایون، اثر خواجوی کرمانی، که مورخ سال ۷۹۹/۸۰۰ هجری (۱۳۹۶ میلادی) است، تعلق دارد. این تصویر، صحنه‌ای را نشان می‌دهد که در آن همای

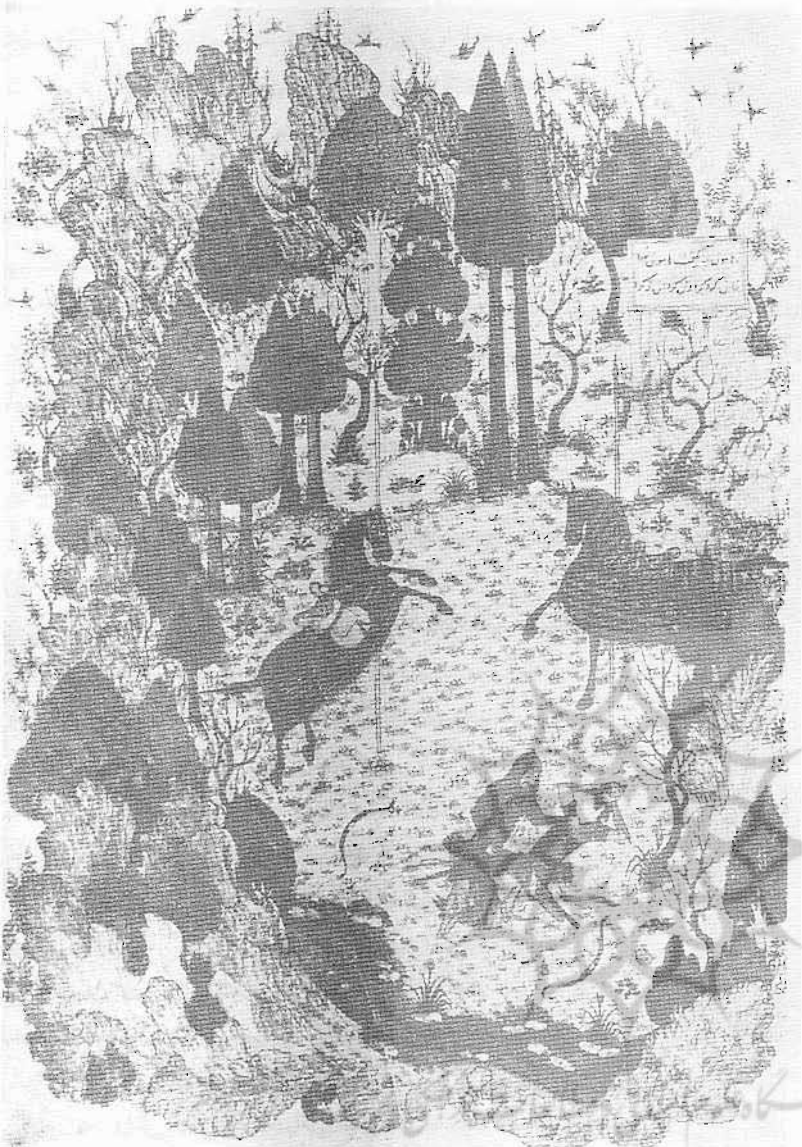
یکی مرد و دیگری زن. زن در شب سخن می‌گوید، و مرد در روز، و هر دو مرگ اسکندر را پیشگویی می‌کنند. نظامی، همچنین از سفر اسکندر به باغ ارم سخن می‌گوید که در آن درختان طلایی با میوه‌های جواهر و طلا می‌روید.

در شرفنامه، یعنی بحث نخست از دو مبحثی که در خمسة نظامی به اسکندر مربوط می‌شود، از مناظره و جنگ بین اسکندر و داریوش حکایت می‌شود. در شرفنامه مربوط به سلطان نشین دهلی، که در کتابخانه بریتانیا محفوظ است، تصویری نادر از صحنه‌ای دیده می‌شود که در آن داریوش با ارسال یک چوب و گوی چوگان و یک کاسه دانه کنجدر برای اسکندر به او توهین می‌کند. خشم داریوش از آن است که اسکندر برای او هدایایی به روال سنتی نفرستاده است. پس پیکی نزد او اعزام می‌کند که مطلب را به او بگوید. اسکندر نیز خشمناک می‌شود و پاسخ می‌فرستد که داریوش به قدر کافی ثروت دارد. داریوش چوب و کاسه کنجدر را به آن معنا می‌فرستد که چون اسکندر رفتاری کودکانه کرده لایق آن است که برای او بازیچه‌های کودکانه فرستاده شود. دانه‌های کنجدر به منزله عده بیشمار سپاهیان است که داریوش در نظر دارد به



۴ - دانه خوردن پرنندگان از دست اسکندر. شرفنامه نظامی، کار سلطان نشین بنگال، ۹۱۰ ه. ش. ۱۴ × ۱۵ سانتیمتر.

۵- باز شناخته شدن همایون توسط همای (اثر جنید)،
 همای و همایون خواجهی کرمانی، کار ایران (بغداد)،
 ۷۷۵ هـ. ش. ۲۱۰ × ۳۰ سانتیمتر.



پژوهشگاه تخصصی
 رتال جامع علوم انسانی

باغها

باغهای ایرانی، در نظر علاقه‌مندان به مینیاتور منظری آشنا دارند و از سده هشتم هجری به این سو، کمتر کتاب دستنویس مصوری است که دست کم یک باغ را به عنوان زمینه شامل نباشد. توصیفهای باغستانها و گلهای تخیلی، چه در متون مصور شعر و ادب، و چه در سفرنامه‌های گوناگون، خودنمایی می‌کنند. باغ، با آب روان و با سایه خنک درختانش، پناهگاهی در برابر غبار و گرمای بیابان پیرامون خود فراهم می‌آورد، و در ادبیات ایران پیوسته به بهشت روی زمین تشبیه می‌شود. این روند

کلاه از سر برداشته و همایون، در کمال حیرت، دریافته که با یک شاهزاده خانم می‌جنگیده است. سوسنهای کنار جوی و انواع گل‌های دیگر در این نقاشی جا دارند، اما تأکید نقاشی، بیشتر بر درخت و درختچه‌ها و بوته‌ها است. در تصویر، انواع بوته‌ها و درختچه‌ها را می‌بینیم که در لابه‌لای صخره‌ها رویده‌اند و از تخته سنگهای کوههای زمینه کار آویخته‌اند. درختان بزرگتر، که به نظر می‌رسد از انواع مخروطیان و برگ‌ریزها باشند، در محوطه پشت دو آسی که به نیزه‌های فرو رفته در زمین بسته شده‌اند، به تصویر درآمده‌اند.

تا به امروز هم، به سان قرنهای گذشته، در شعر و نقاشی ایرانی ادامه دارد.

طرح معمول باغ ایرانی بر یک جوی مرکزی و جویهای دیگری که عمود بر آن از آن منشعب می‌شوند و فضاهای گلکاری شده را بین خود فرامی‌گیرند مشتمل می‌شود. این شکل، که به «چهارباغ» معروف شده است، همچنین در طی سده دهم هجری به وسیله بابر شاه، فرمانروای مغولی هند، به هندوستان راه یافته است. در ایران، آب روان باغها به وسیله قنات - تدبیر درخشانی که ابداعش به سده ششم پیش از میلاد برمی‌گردد - تأمین می‌شود. آبی که بدین سان در سراسر سال فراهم می‌آید، اساساً به مصرف آبیاری مزارع و باغهای میوه و تفرجگاههای سرسبز می‌رسد. در آن دسته مینیاتورهای ایرانی که تصویر باغها را منعکس می‌کنند، کمال توجه به آب نمایان است. سطح کاشیکاری شده مجاور کوشکها همواره حوضی را شامل است که شکل آن، خواه مدور یا مربع یا مربع مستطیل و خواه شش گوشه یا دالبردار، همواره فواره‌ای را در میان دارد. گاهی چهارجوی عمودبرهم و گاهی هم دو، یا یکی، در اطراف آن دیده می‌شود و غالباً جویی در کار نیست. کاشیهای پیرامون حوض، معمولاً رنگ سبز یا آبی روشن دارند و حالت کلی پدید آمده از ترکیب این دو رنگ به انسان احساس خنکی و آرامش می‌دهد. در مینیاتورها، خود باغ غالباً در پشت کوشکی قرار دارد که با نرده‌های سرخ رنگی از آن مجزا شده است. گهگاه باغبانان را می‌بینیم که در میان درختان بادام و هلو و چنار و تبریزی و سرو مشغول به کارند، در حالی که گلهای زنبق و سرخ و کونکار و صد تومانی و خطمی را، که عموماً به دقت ترسیم شده‌اند، باز می‌شناسیم.

در اواخر سده هفتم و در طی سده هشتم هجری، طرح باغ ایرانی، همانند دیگر سنن ایرانی، باب طبع حکمرانان ایلخانی قرار گرفت و به وسیله اخلاف آنان تداوم یافت. از آن میان، تیمور لنگ از چهره‌های عمده‌ای بود که باغهای او را «کسلاویخو» ای اسپانیایی، در دوره سفرش در سمرقند، به سال ۸۰۷/۸ هجری (۱۴۰۴ میلادی) توصیف کرده است. کلاویخو از وجود کاخهای بزرگی در حوالی سمرقند حکایت می‌کند که تیمور در باغهای اطراف آنها چشتهایی در ایام پاییزی برپا می‌کرده است. و «این باغستانها و تاکستانهای حول و حوش سمرقند آنچنان متعدد هستند که مسافری که به شهر نزدیک می‌شود فقط کوهی از درختان بلند قامت می‌بیند، و خانه‌های محصور در بین آنها نامرئی



۶ - بوته‌های خرزهره (بالا) و کادی (پایین)، اثر ابراهیم نقاش، وقیعات باری، کار هند دوره مغولی، حدود ۹۷۰ ه. ش. $۱۰ \times ۹/۵$ سانتیمتر.

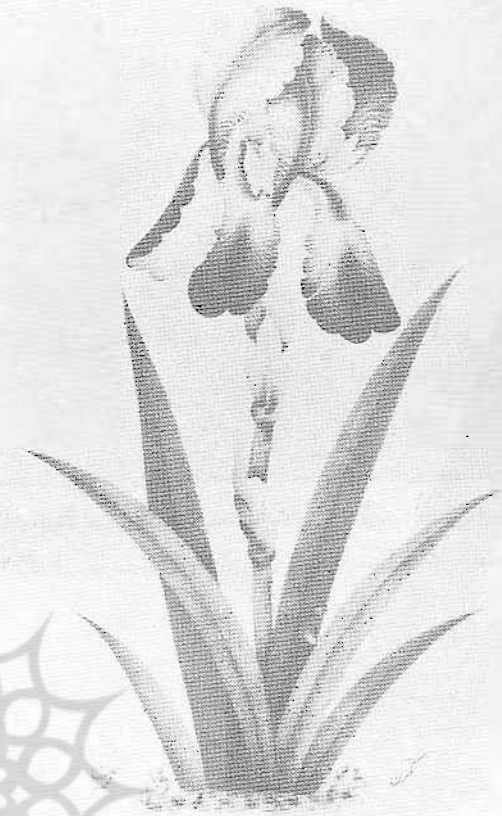
می‌مانند.»

همچنین حسین بایقرا، که تاجگذاری وی به سال ۸۷۳/۴

می‌شود، چنین به نظرش می‌رسد که این شهر، با درختان مرکبات و سرو و چنارش، جز یک باغ بزرگ نیست. یکی از باغهای مفرح و بشمار شیراز، باغ دلگشاست، که درحوالی آرامگاههای دو شاعر ذکر شده جا دارد و به شیوه سنتی، با یک معبر مرکزی، جویها، حوضها و کوشکی در میان آن، آراسته شده و در آن درختان انار و پرتقال و گلهای سرخ و سوسن رویده‌اند و، مهمتر از همه، بلبلان آوا سر داده‌اند.

مینیا تورها

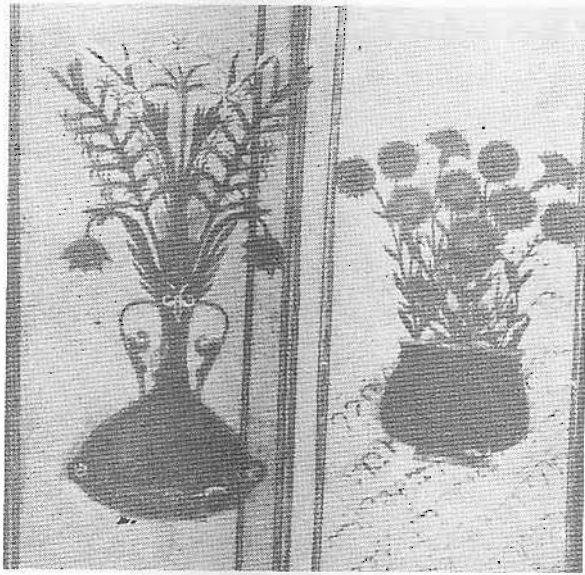
گذشته از گلهایی که می‌توان آنها را در مینیا توره‌های ایرانی باز شناخت، گلهای مستیک نیز در این نقاشیها فراوانند. سرجان شاردن، که نسبت به باغهای ایرانی نظری نامساعد دارد، برعکس شیفته گلهایی است که در طی سفرهای خود در قرن هفدهم میلادی در ایران دیده است. اومی نویسد: «گلهای ایران، به خاطر سرزندگی رنگهایشان عموماً زیباتر از گلهای اروپا و همچنین همدند... در جاهایی چون اطراف اصفهان، گلهای خودروی نسرین وجود دارد... در فصل مناسب می‌توان هفت یا هشت نوع گل سریش، گلهای سوسن، انواع رنگهای بنفشه، گلهای سرخ کم پر و پُرپر، همچنین یاسمنهای کم پر و پُرپر مشاهده کرد... گل سرخ، که به وفور یافت می‌شود، به جز رنگ اصلیش به رنگهای سفید، زرد، آتشی، و نیز به صورت مرکب، یعنی از یک رو سرخ و از روی دیگر سفید یا زرد دیده می‌شود. درخت گل سرخی دیده‌ام که گاهی بزرگ شاخه آن گلهایی به سه رنگ مختلف، یعنی زرد، برخی زرد و سفید، و تعدادی زرد و سرخ، رویده بود.» بعضی از گلهایی را که شاردن ذکر کرده است می‌توان در مینیا تورها یا روی جلد کتابها باز شناخت، اما با تعجب می‌بینیم که گل سرنگون به ندرت در این مینیا تورها منعکس شده است، حال آنکه غالباً به تصویر سوسن برمی‌خوریم. انواع زنبق، معمولاً با ساقه بلند و به رنگ ارغوانی، به تصویر درآمده‌اند. بعضی از اینها، مانند نمونه‌هایی که در گلدانهای مینیا تور خسته نظامی مربوط به سالهای ۹۴۶ هجری (۱۵۳۹ میلادی) تا ۹۵۰ هجری (۱۵۴۳ میلادی) دیده می‌شوند، به دقت ترسیم شده‌اند، لکن دقت ارائه شکل این گلها در مینیا تور پردازی ایرانی بسیار متغیر است و ضعیف‌ترین شکل آن در شاهنامه مربوط به اواخر سده شانزدهم میلادی دیده می‌شود. همین وضع در مورد گل خطمی وجود دارد، که بهترین ارائه آن در



۷- گل زنبق ارغوانی، آلبوم مصور، کار ایران، دوره تاجار، حدود ۱۲۱۵
ش. ۱۱۰ × ۱۸۵ سانتیمتر.

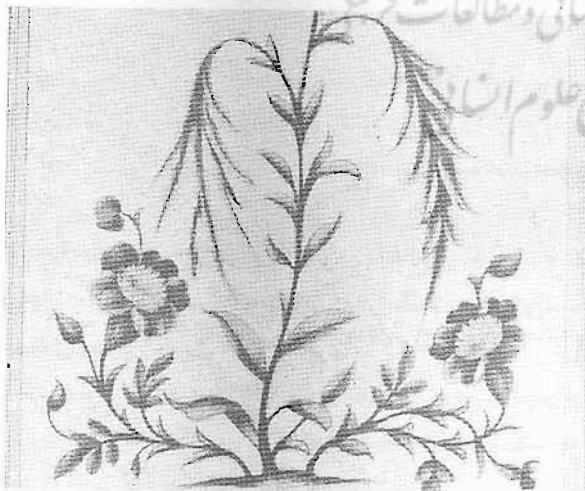
هجری (۱۴۶۸ میلادی) در باغ زاغان هرات صورت گرفت، به ساختن چهارباغی فرمان داد که یکصد جریب از اراضی حومه این شهر را فرا گرفت. بهزاد، نقاش بلند آوازه ایرانی، به مسووبت حمایت همین فرمانروا بود که به مقام رفیع خود رسید. ثبت است که در همین اوان، کاتبان و نقاشان بسیاری در کوشکهای باغ سفیدهرات سرگرم کار بودند، و برخی از آثار بهزاد احتمالاً از باغهای همین شهر الهام دارند.

نام شهر شیراز در جنوب ایران، تا به امروز، همواره با شعر و باغ و گل و بلبل مترادف بوده است. آرامگاههای شعری چون سعدی (متوفی به سال ۶۹۰/۱ هجری / ۱۲۹۱ م.) و حافظ (متوفی به سال ۷۹۲/۳ هجری / ۱۳۸۹ م.) در باغهایی در همین شهر جا دارند. در واقع، هنگامی که انسان جاده خشک تخت جمشید را پشت سر می‌گذارد و از راه دروازه قرآن به سوی شیراز سرازیر



۸ - کولاژ تصاویر گل، کتاب مصور، کار ترکیه، قرن ۱۸ میلادی، ۸/۵ × ۴ سانتیمتر.

۹ - گل تاج خروس، کتاب شعری در وصف گل‌های باغ سعادت آباد اصفهان، کار ایران، دوره قاجار، حدود ۱۲۱۵ ه. ش. ۱۰ × ۹/۵ سانتیمتر.



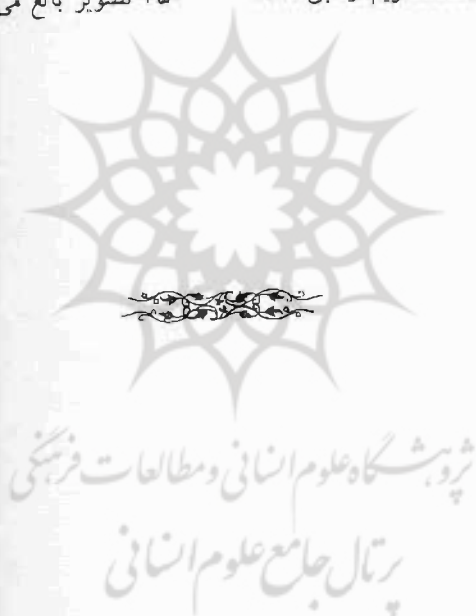
مینیا تورهای مربوط به قرن نهم هجری مشهور است. گل سرخ از سده هشتم هجری به این سو در مینیا تورها به چشم می‌خورد و رنگ آن به طور معمول صورتی است، گرچه انواع سفید و زرد آن نیز در شاهنامه نفیس شاه طهماسبی دیده می‌شود. در همین کتاب، مینیا توری بس دلپذیر هست که ملازمان رودابه را در اثنای انتظار ملاقات با خدمه زال، سرگرم چیدن گل‌های سرخ نشان می‌دهد. در نسخه همای و همایون، مورخ ۷۹۹/۸۰۰ ه. ق. (۱۳۹۶ میلادی)، که از منظرة پردرخت آن سخن رفت، همچنین صحنه جشنی به تصویر درآمده است که در باغی برپا شده و زنانی را در حال چیدن گل‌های سرخ از بوته‌ای در انتهای اثر نشان می‌دهد. زمینه بسیاری از مینیا تورهای ایرانی از انواع گل‌های نامشخص انباشته است، و این امر حتی در مورد آثاری که حاوی چند تصویر دقیق از گل‌های قابل شناخت هستند صدق می‌کند. گل‌هایی چون گل صد تومانی، نرگس، مو و بنفشه در کتاب‌های بسیار نفیس مانند نسخ برجسته شاهنامه و دیگر نقاشی‌های اجرا شده برای بایسنقر میرزا، در حدود سال‌های ۸۳۱ هجری (۱۴۲۷ میلادی) تا ۸۳۴ هجری (۱۴۳۰ میلادی) که در هرات تهیه شده‌اند، تشخیص داده می‌شوند. آثار اخیر، دو نسخه از کتاب کلیله و دمنه را که در موزه توپکاپی استانبول قرار دارند، و نسخه دیگری را که در کتابخانه کاخ گلستان در تهران نگهداری می‌شود، شامل می‌شوند. انجمن سلطنتی آسیایی لندن، یک نسخه بسیار نفیس از شاهنامه در اختیار دارد، که به محمد جوکی (متوفی به سال ۸۴۸ ه. ق. / ۱۴۴۴ میلادی)، برادر بایسنقر میرزا، تقدیم شده است. در این نسخه، مینیا تورهای دلتوازی حاوی دورنماهای سرشار از انواع درختها و گیاهان دیده می‌شوند. گل‌های تزئینی یا تقدیمی، از قبیل زنبق‌های گلدان‌های سه گانه لوحه خمسة نظامی یا ترگسهای اهدایی به فریدون، یا حتی به صورت یک دسته گل، گاهی در مینیا تور به چشم می‌خورند. مورد جالب و نامعمولی از صورت اخیر در یکی از نسخ متعلق به سده نهم خمسة نظامی، که در کتابخانه موزه توپکاپی استانبول جا دارد، دیده می‌شود. شیرین در ایوان ایستاده است و نزدیک شدن خسرو و همراهان او را نظاره می‌کند که هر یک دسته گلی از گل‌های درشت مینا در دست دارند.

علاوه بر سرو، که همیشه در مینیا تورهای ایرانی حاضر است، درختانی مانند تبریزی و بید نیز در این آثار دیده می‌شوند. درختان گلدار نیز فراوان به چشم می‌خورند، و اینها انواع شکوفه داری چون هلو، زردآلو، انار، آلو و ارغوان، و انواعی دارای

گل‌های ساده شده و غیر قابل تشخیص را در برمی‌گیرند. از سده یازدهم هجری به بعد آلبوم‌هایی حاوی طراحیها، نمونه‌های خوشنویسی و پیکر نماها در ایران متداول شدند که گاه ترسیم‌های مدادی یا نقاشیهایی از گل‌های منفرد را در بر می‌گرفتند. این روش، به خصوص در دوره قاجاریه رواج یافت. آلبومی حاوی تصویر یک زنبق، که دارای رقم محمدرضا و مربوط به حدود سال ۱۲۴۶ ه. ق. (۱۸۳۰ میلادی) است، از این دوره به جا مانده است. سطح بیرونی گلبرگ‌ها به رنگ قفایی کمرنگ با یک رگ اصلی سبز است و سطح گلبرگ‌های آویخته به رنگ قفایی تیره با یک رگ پررنگ تروئنه نارنجی رنگ. کتاب دیگری که زنبقی مشابه را در بردارد، کتاب شعری است اثر مسیرزاهدی رمزی، در وصف گل‌های باغ سعادت‌آباد اصفهان. این باغ امروزه وجود ندارد ولی خیابان چهارباغ اصفهان زمانی بخشی از آن بوده است. رمزی در اشعار خود به توصیف گل‌هایی چون نرگس، بنفشه، بید، سنبل، عنبر، کونار، شقایق، زبان در قفا، مریم، زنبق، لاله،

شکوفه زردآلو، سیب و هلو، ارغوان، سوسن سفید و زرد، گل محمدی، انواع گل سرخ با گلبرگ‌های سرخ و زرد (نظیر آنهایی که شاردن وصف کرده است)، یاسمن سفید، ریحان، همیشه بهار، خطمی، و تاج خروس پرداخته است و همه این گل‌ها به تصویر درآمده‌اند. گل سرخ با گلبرگ‌های قرمز و زرد، همچنین بر جلد یک کتاب منقوش روغنی که به سال‌های ۱۲۵۱ / ۱۲۵۰ هجری (حدود ۱۸۳۵ میلادی) مربوط است، مشاهده می‌شود. زنبق سه رنگ ارغوانی با گلبرگ‌های آویخته قهوه‌ای رنگ و یک گل عنبر نیز بر این جلد شناخته می‌شوند.

ترجمه‌ای به زبان فارسی از فهرست گیاهان دیوسکورید^۳ در کتابخانه «چستریتی»^۴ در دویلین نگهداری می‌شود که در قرن یازدهم هجری برای شاه عباس اول در اصفهان تهیه شده است. در صورت آثار این کتابخانه از نقاش این کتاب به عنوان «نگارگر ماهری که سریع کار می‌کند» یاد شده است و تصاویر آن بر بیش از ۳۵۰ تصویر بالغ می‌شوند که بسیار جالب توجهند.



3 - Dioscorides

4. Chester Beatty